

غم غریبی و غربت

گزینش و نگارش محمد افتخاری

افتخاری، محمد، ۱۳۲۴-
غم غربی و غربت/ گزینش و نگارش: محمد افتخاری.
تهران: نشر فنیجان، ۱۳۹۸.
۲۰۲ ص: ۵/۱۳/۵×۲۰ س.م.
علوم انسانی. ادبیات مهاجرت.
۶-۴-۹۹۶۴۲-۶۰۵-۹۷۸-۶۰۵
فیبا.
کتاب نامه.
نمایه.
غربت زدگی در ادبیات.
Homesickness in literature.
شعر فارسی — تاریخ و نقد.
Persian poetry – History and criticism.
PIR ۴۰۰۹
۸۱۵۰/۸۳۵۲
۵۸۱۹۴۰۸

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
یادداشت
موضوع
موضوع
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره ی کتاب شناسی ملی

محمد افتخاری	گزینش و نگارش
حسن کریم‌زاده	طراح جلد
انوشه صادقی‌آزاد	ناظر فنی
علی سجودی	ناظر چاپ
اول، ۱۳۹۸	نوبت چاپ
شادرنگ	چاپ
۱۰۰۰ نسخه	تیراژ
۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۴۲-۴-۶	شابک

تمام حقوق این اثر متعلق به نشر فنجان است و هرگونه استفاده از عناصر صوری و محتوایی آن، کلاً و جزئاً، به هر زبانی و به هر شکلی بدون اجازه‌ی کتبی ناشر ممنوع است.



تهران، صندوق پستی ۵۳۴۴-۱۴۱۵۵ تلفن ۰۹۱۹۸۰۰۱۰۰۵
fenjanbooks@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار	یازده
۱ مقدمه: هزارتوی غربت	۱
۲ مفاهیم غربت و وطن	۵
۳ غم غربت (نوستالژی)	۳۵
۴ مهاجرت (غربت‌گزینی)	۴۷
۵ غربت و هویت	۸۵
۶ ماندن یا رفتن	۱۱۱
۷ ادبیات غربت	۱۴۱
۸ یادداشت‌های غربت	۱۴۹
۹ داستان‌های فارسی غربت	۱۶۱
۱۰ شعرهای غربت (ترجمه)	۱۷۳
کتاب‌نامه	۱۷۹
نام‌نامه	۱۸۳

پیش‌گفتار

غمِ غریبی و غربتِ چو بر نمی‌تابم
به شهرِ خود روم و شهریارِ خود باشم

_____ حافظ

موضوع کتابی که در دست دارید «غربت» یا «مهاجرت» از دیدگاه فلسفی، سیاسی یا دیدگاه‌های دیگر نیست و مباحث و مسائل مربوط به این موضوع نیز بسیار گسترده‌تر از گنجایش این کتاب و بضاعت این قلم است. مایه و پایه‌ی توجه و تمرکز من به موضوع غربت عمدتاً در روزگار جوانی‌ام، در کلاس درس ادبیات و گاه نیز در همنشینی و مصاحبت با غربت‌نشینان شکل گرفت و این موضوع به مرور بخشی از دغدغه‌های ذهنی‌ام شد. در هر فرصتی که برای خواندن و شنیدن و دیدن و اندیشیدن پیش می‌آمد، ذهن و خیالم تا دورترین افق‌های غربت — این رنج جانکاه همه‌ی دوران‌ها و شاید همه‌ی انسان‌ها — به پرواز درمی‌آمد و بارها و بارها، این جا و آن جا، در پی یافتن تصویر و توصیفی از غربت، این طالع بی‌شفقت، بوده‌ام؛ طالعی که ناصرخسرو «کژدم غربت»، باباطاهر «خاک دامن‌گیر غربت» و بیدل دهلوی «شام غربت» نامیده و حافظ نیز با تعبیر «نماز شام غریبان» با تلخی و اندوه بر آن گریسته و مویه کرده است.

به این ترتیب، نگاهم به موضوع غربت یا مهاجرت اصولاً از منظر ادبیات به مفهوم کلی است و البته گوشه‌ی چشمی هم به برخی مباحث مطالعاتی مربوط به این موضوع داشته‌ام. در واقع، آنچه من گردآورده‌ام، حاصل اندیشه‌ها و خلاقیت‌های دیگران و نیز محصول جست‌وجوها و خواننده‌ها و درک و دریافت‌هایم

در مطالعه‌ی موضوع غربت و مهاجرت است و در نهایت، قصدم در میان گذاشتن‌شان با مخاطبانی بوده است که به موضوع غربت علاقه‌مندند و فرصت یا امکان خواندن چنین مطالب متنوع و دیدگاه‌های متفاوتی را درباره‌ی آن نیافته‌اند. اگر این گزیده‌ها و چکیده‌ها مورد توجه علاقه‌مندان قرار گیرد و آن‌ها را به جست‌وجوی بیش‌تر در این موضوع و مراجعه به اصل مطالب یا مقاله‌ها در منابع معرفی‌شده هدایت کند رویداد فرخنده‌ای است که به یمن سال‌ها خدمت در کتابخانه، به عنوان کتابدار، لذت تجربه‌اش را بارها چشیده و گاه نیز چشانده‌ام.

تمام مطالب تلخیص‌شده به صورت نقل‌قول مستقیم داخل گیومه آمده‌اند و هر جا بخشی از مطلب حذف شده، با نشانه‌ی «[...]» آن را مشخص کرده‌ام. گاه نیز به اقتضای محدودیتی که در نقل مطلب داشته‌ام آن را با اندکی دخل و تصرف صوری خلاصه کرده و به صورت نقل‌قول غیرمستقیم آورده‌ام و هر جا هم که با حذف مطلب ممکن بود نکته‌ی کلیدی و مهمی از قلم بیفتد و موجب گسیختگی، آشفتنگی و ابهام شود، خلاصه و چکیده‌ی مطلب و مفهوم کلام را آورده‌ام.

مشخصات کامل و دقیق کتاب‌ها و مقاله‌ها در کتاب‌نامه‌ی پایان کتاب آمده است. دو-سه مقاله‌ی مفید هم بودند که به لحاظ کیفیت مطلب یا بیان، راه به تلخیص نمی‌دادند و باید تمام مقاله را می‌آوردم که این ممکن نبود و به‌ناچار با اشاره‌ای کلی به موضوع و محتوای آن، خواننده‌ی علاقه‌مند را ترغیب به خواندن اصل مقاله کرده‌ام.

در تلخیص مطالب کوشیده‌ام متناسب با موضوع موردنظر، جان کلام و لبّ مطلب را بیاورم. گاه اگر مطلبی را به اقتضای اهمیت آن در دو جای مختلف آورده باشم، آن‌جا که مطلب نقش بنیادی و تعیین‌کننده دارد حتماً به تفصیل و با جزئیات بیش‌تری بیان شده و آن‌جا که فقط بسنده و رساننده‌ی مقصود باشد کاملاً به اجمال و اختصار مطرح شده است.

بعضی نوشته‌ها و مقاله‌ها همپوشانی موضوعی دارند و می‌توانند در دو یا چند بخش موضوعی مختلف (مثلاً «غربت و هویت»، «غم غربت» یا «یادداشت‌های

پیش‌گفتار سیزده

غربت» بیایند. در این موارد، بر اساس تجربه‌ی حرفه‌ای کتابداری‌ام در رده‌بندی و فهرست‌نویسی موضوعی، به تشخیص خود عمل کرده‌ام و آن‌ها را در یکی از بخش‌های موردنظرم آورده‌ام.

سپاس‌گزار همه‌ی کسانی هستم که از نوشته‌ها و اندیشه‌های‌شان در گزینش و نگارش این کتاب بهره برده‌ام. از نشر فنجان نیز که با ذوق و سلیقه‌ی ستودنی‌اش نشان خود را بر کتاب نهاد و مرا وامدار مهر خویش کرد ممنونم.

_____ تهران، بهار ۱۳۹۷

مقدمه: هزارتوی غربت

در کلاس ششم متوسطه‌ی رشته‌ی ادبی دبیرستان خزانلی، در بحثی دلپذیر و در عین حال دیرباب، با موضوع «غریب» و «غربت» آشنا شدم. دبیرمان آقای میرمیرانی گاه اگر فرصتی در پایان درس ادبیات فارسی دست می‌داد بخش‌های کوتاهی از متون نظم و نثر ادبیات کلاسیک فارسی را که تناسبی هم با موضوع درس داشت برایمان می‌خواند و به هنگام نیاز، گره‌های لفظ و معنای‌شان را نیز می‌گشود. در یکی از همین فرصت‌ها بود که این روایت تذکرةالاولیاء را برای اولین بار شنیدم:

پرسیدند: غریب کیست؟ گفت: غریب نه آن است که تَنَش در این جهان غریب است، بلکه غریب آن است که دلش در تن غریب بود و سرش در دل غریب بود.

این توصیف موجز و بدیع و رمزآلود، که هنوز نیز رهایم نکرده است، هم برایم جالب بود و هم مبهم و مه‌آلود. در واقع، معنای تک‌تک واژه‌ها روشن بود اما مفهوم سخن، پوشیده و پنهان. واکنش کلاس، طبق معمول، متفاوت بود. بعضی‌ها نه موضوع را فهمیدند و نه جذابیتی برای‌شان داشت. عده‌ای هم وضع

و حال مرا داشتند و منتظر توضیح مطلب بودند. آقای میرمیرانی با آگاهی بر اوضاع به توضیح و گره‌گشایی پرداخت و من، بنابه عادت، یادداشت برمی‌داشتم. هنوز هم بعضی از آن یادداشت‌ها را دارم. او می‌گفت:

«تن» به معنای جسم است و «دل» به معنای جان. زندان تو تن است،
و دل یا قلب مخزن اسرار الهی:
مکن در جسم و جان منزل
که این دون است و آن والا
(سنایی)

و «سِرِّ» چیزی است میان سالک و حق که کسی جز اصحاب و ارباب
قلوب بر آن آگاه نیست:
سِرِّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت
در حیرتم که باده‌فروش از کجا شنید
(حافظ)
و «غریب» نیز کنایه از جانِ دورمانده و محروم از فیض الهی است.

چکیده‌ی آنچه از توضیح آقای میرمیرانی در آن کلاس در یادداشت‌هایم مانده، این است که اگر در سخن عطار «جهان» به معنای خانه باشد، جایی که در آن بالیده و زیسته‌ایم، و «دل» جان باشد، و «تن» جسم، در این صورت، غریب کسی است که با خویش بیگانه است.

در آن جلسه روشنگری‌های نسبتاً مفصّلاً در باب مفاهیم عرفانی روایتِ عطار صورت گرفت و برخی گره‌ها ظاهراً گشوده شد اما حاصل این گره‌گشایی نه «قریب‌ترین» بلکه «غریب‌ترین» مفهومی است که از واژه‌ی «غریب» و «غربت» در ذهن من مانده و همچنان در هزارتوی آن سرگردانم. اکنون از آن کلاس و آن درس و بحث چندین دهه گذشته است و در گذر این سال‌ها به یمنِ حضور و اشتغالِ کم‌وبیش سی‌ساله‌ام در فضای کتابخانه‌های عمومی، یکی از کنجکاوی‌هایم یافتن مفاهیم و مصادیق قریب‌تر «غربت» بوده و حاصلش مطالعه‌ی مدخل‌ها و عنوان‌هایی است چون کوچ، مهاجرت، پناهندگی، تبعید، رفتن، گسستن، جدایی، گریز، آوارگی، غریبی و

وقتی زمستان در قلب مان نشست
 چه می گفتیم؟
 سیگار می کشیدیم
 و نام تبعیدگاه‌های مان را برای یکدیگر می گفتیم [...] (همان: ۶۴)

نه عشق
 نه وطن
 نه خانه
 نه تفنگ.

نصیب من از جهان
 حسرت است و شاخه گلی
 که از بام‌های خونین کفر قاسم چیده‌ام.
 (همان: ۷۴)

۲

عبدالوهاب البیاتی، شاعر عراقی، در ۱۹۲۶ در بغداد متولد شد و فارغ‌التحصیل دانشسرای عالی بغداد در رشته‌ی زبان و ادبیات عرب است. شاعری نوگراست و اسطوره و مضامین انسان‌دوستانه و ظلم‌ستیزی در شعرهایش جایگاه ویژه‌ای دارد. بیاتی بخشی از عمرش را در غربت و آوارگی سپری کرد و در سال ۱۹۹۹ در دمشق چشم از جهان فرو بست. این جا بخش‌هایی از دو شعر او را از کتاب آوازهای سندیاد می‌خوانیم:

«دفتر فقر و انقلاب»

[...] آه

چه دوری، ای میهن من!
 همچون رؤیایی در پنجره‌ی ترن تو را می‌بینم در خواب.
 نخلستان‌های تو در مه سپیده‌دمان مرا بیدار کرد.
 آیا این تویی ای سرنوشت من!

که در پی تو ارابه‌ها و مردگان در تکاپویند؟
و برای ما در راه دام می‌گسترند و لیخندها را به سرقت می‌برند
و این بیشه‌ها را غرقه در تیرگی می‌کنند.
گنجشک‌هایی بی‌آشیانه
و تو با بیل می‌کوبی
بر دروازه‌ی سپیده‌دم
تا در مهمان‌خانه‌های این شهر که خود مُرده و بهارش نیز مُرده، گور مرا
حفر کنی
تا پاداش مرا ببخشی به شاگرد قهوه‌چی‌ای که من حساب خود را به او
پرداخته‌ام. [...]

«دو قصیده برای پسر»

[...] برای که آواز می‌خوانی اکنون که قهوه‌خانه‌ها همه بسته شده است؟
که را نماز می‌گزاری ای قلب شکسته!
اکنون که شب فرومرده؟
[...]
آیا سال‌ها بدین‌گونه می‌گذرد
و شکنجه قلب را پاره‌پاره می‌کند
و ما همچنان از تبعیدگاهی به تبعیدگاهی و از درگاهی به درگاهی
می‌پژمریم بدان‌گونه که زنبق‌ها در خاک؟
ای قُمریک! ما تهیدست خواهیم مرد
و این قطار همچنان جاودانه در حرکت خواهد بود. (بیاتی: ۷۹، ۹۸)

نام‌نامه

این نام‌نامه شامل نام افراد است.

ادیب‌الممالک فراهانی ۱۳	آتشی، منوچهر ۳۱
ارشاد، فرهنگ ۴۸، ۵۰	آخمتووا، آنا ۳۶
استاین‌یک، جان ارنست ۱۴۹	آدورنو، تئودور ۵۷
استعلامی، محمد ۳	آلیشان، لئوناردو ۱۰۲
اسماعیلی، پیمان ۱۴۶، ۱۴۷	آنجلوپولوس، تئو ۱۱۶، ۱۱۷
اسمیت، الکسیس ۱۶۷	
اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال) ۱۳	ابتهاج، هوشنگ (سایه) ۲۸
اقبال لاهوری، محمد ۱۴	ابن بطوطه، محمد بن عبدالله ۵۱
اکبرشاه بائری ۵۰، ۵۱	ابن سینا (بوعلی سینا) ۲۲
امیرابراهیمی، ثمیلا ۶۱	ابوریحان بیرونی ۲۲
امیرخسرو دهلوی ۲۳	ابوسعید ابوالخیر ۱۰
امیرخسروی، بابک ۶۸	احمدی، احمدرضا ۱۴۹، ۱۵۱
انتخابی، نادر ۵	احمدی، بابک ۳۶، ۱۵۷
انتسینس‌برگر، هانس ماگنوس ۱۴۰	احمدی، عبدالرحیم ۱۴۹، ۱۵۱
اندرسون، بندیکت ۱۲۴	اخوان ثالث، مهدی ۲۶، ۱۱۴
انوری، محمد بن محمد ۲۳	اخوان لنگرودی، مهدی ۱۰۱
اوحدی مراغه‌ای ۲۴	اخوت، محمدرحیم ۶۳-۶۵، ۸۶، ۸۷
اورنگ‌زیب بائری ۵۰	۸۹، ۹۰، ۱۱۷

- ایرج میرزا ۱۳
- چادری، چاندراهااس ۱۴۱، ۱۴۶
- چخوف، آنتون ۱۱۴
- حافظ، شمس‌الدین محمد ۲، ۳، ۱۳
- ۳۸، ۳۶، ۲۳، ۲۲، ۱۴
- حزین لاهیجی ۲۳، ۵۱
- حنایی کاشانی، محمدسعید ۱۱۳
- حیدریان، محسن ۶۸
- خاقانی، بدیل بن علی ۱۲، ۱۷، ۲۴
- خیام، عمر بن ابراهیم ۱۷
- داستایفسکی، فئودور ۱۱۴
- دانشور، سیمین ۱۰۷
- درویش، محمود ۱۷۳، ۱۷۵
- درویش‌پور، مهرداد ۷۶، ۷۷، ۸۰
- دغاقله، عقیل ۱۲۸
- دوئی، پرویز ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸
- دوستخواه، جلیل ۱۸
- دیهمی، ایرج ۲۱
- رحمانی، نصرت ۱۵۷
- رحیمی، ابوالقاسم ۳۹
- رشید یاسمی، غلامرضا ۵۱
- رضاشاه پهلوی ۶۸
- رضایی‌راد، محمد ۱۰۴
- رنجبر، مجید ۳۹
- رولان، رومن ۱۱۴
- رهبانی، مجید ۱۹
- ریتسوس، یانیس ۱۱۴
- رینز، کلود ۱۶۷
- بائر، ظهیرالدین محمد ۵۰، ۵۱
- باستانی قمشه، محمد ۸۸، ۹۸
- باشلار، گاستون ۱۵۷
- باقری، مصطفی ۳۹
- برامکی، سارا ۹۴
- براهنی، رضا ۱۱۲
- برشت، برتولت ۱۴۹
- بروجردی، مهرزاد ۱۵۳
- بوگارت، همفری ۱۶۷
- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا) ۲۰
- بیاتی، عبدالوهاب ۱۷۶، ۱۷۷
- بیدل دهلوی ۲۴
- پازولینی، پی‌یر پائولو ۱۱۴
- پولاک، یاکوب ادوارد ۵۲
- پونته کورو، جیلو ۱۱۴
- تارکوفسکی، آندری ۳۶، ۳۷، ۱۵۷-۱۵۹
- ترقی، گلی ۱۲۳، ۱۶۸-۱۷۰، ۱۷۲
- تسیحی، صالح ۱۳۲
- تقی‌زاده، صفدر ۳۷
- توانا علمی، جعفر ۳۹
- تورن، مارتا ۱۶۷
- تیمورگورکانی ۵۰
- جابر بن حیان ۲۲
- جبلّی، عبدالواسع ۷
- جمال‌زاده، محمدعلی ۲۰، ۱۰۷
- جوادی، حسن ۱۱۷

Homesickness: A Survey

Selected & Written by Mohammad Eftekhari



FENJAN
BOOKS

First published, 2020. © Fenjan Books, 2020. ISBN 978-600-99642-4-6 Tehran
P.O.Box 14155-5344, Tehran, Iran. +98 919 800 1005 2020
